

# آشنایی با انواع سیاه مشق

پایگاه کیفیت بخشی به فرآیند آموزش درس فرهنگ و هنر

مستقر در استان خراسان جنوبی

۱۳۹۵-۱۳۹۴

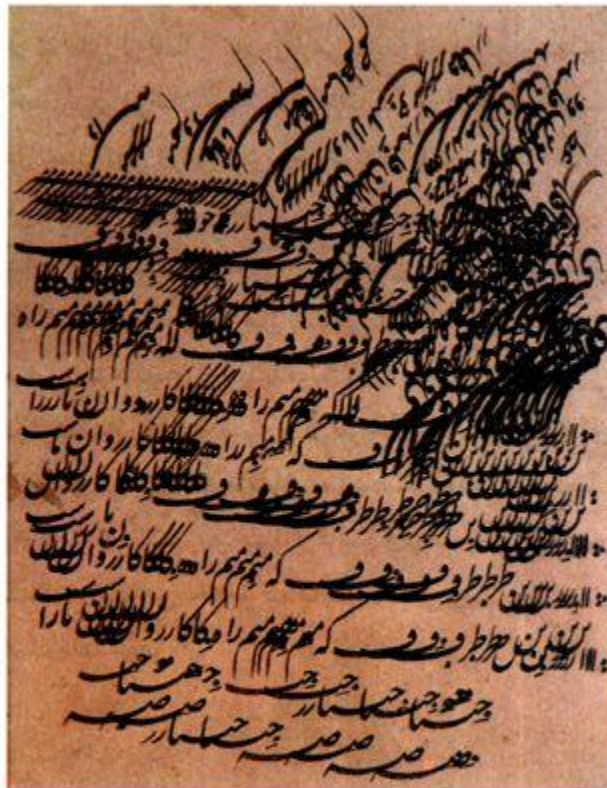
## آشنایی با انواع سیاه مشق

سیاه مشق به عنوان یکی از قالب های خوشنویسی از دیر باز مورد توجه مشاقان بوده که از دوره قاجار با ظهور بزرگانی همچون میرحسین خوشنویس باشی، میرزا کاظم تهرانی و میرزا غلامرضا اصفهانی تشخیص یافته است.

این بخش به موضوع انواع سیاه مشق، همراه با مثال تصویری و مضمون های آن اختصاص دارد.

### ۱- سیاه مشق های تمرینی :

این گونه سیاه مشقها که از دوره های مختلف به جا مانده و تا به امروز در بین خوشنویسان رواج دارد، هدفیایی جز تمرین و تکرار هندسه حروف و کلمات را در بر نداشته که در پایان منجر به سیاه شدن کاغذ شده اند. در زمان های قدیم به علت کمبود کاغذ این شیوه تمرینی رواج بیشتر داشته و بعضا آنقدر در صفحه نوشته می آمد که دیگر نقطه ای سفید باقی نمی ماند. مواردی هم بوده است که یک صفحه کاغذ بعد از چند بار نوشتن، شسته می شده و باز سیاه مشقی تازه روی آن نوشته شده است که تماما به هدف تمرین و تکرار و رسیدن به یک الگوی کامل تر در هندسه حروف و کلمات بوده است.



## ۲- سیاه مشق های بی مضمون

هنگامی که خوشنویس، مطلب خاص و معنا داری را در سیاه مشق خود ننویسد و تنها برعایت اصول خوشنویسی و زیباشناسی و تکرار حروف و کلمات بپردازد.





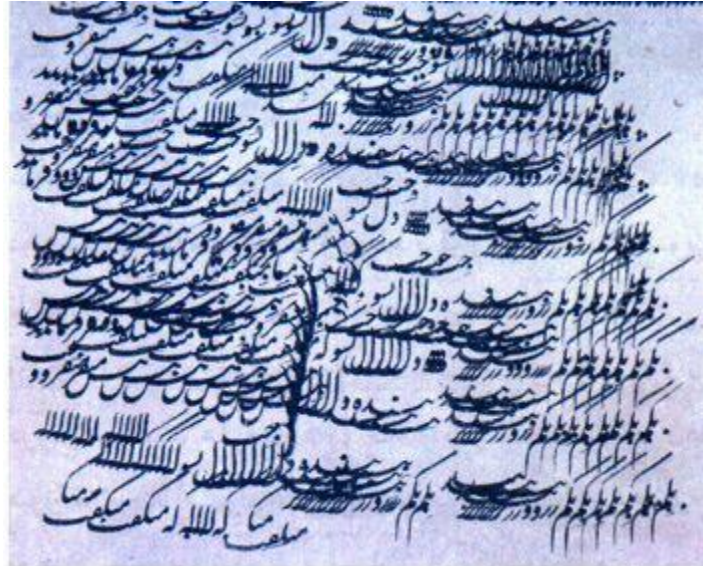
### ۳- سیاه مشق های با مضمون

در آثار استادان سیاه مشق هایی وجود دارد که مضمون خاص را خوشنویس دنبال کرده است، اما هدفی در ترکیب بندی کل اثر نداشته است و تمرینی برای خلق اثر چلیپا یا قطعه بوده است.



#### ۴- سیاه مشق های نامنظم

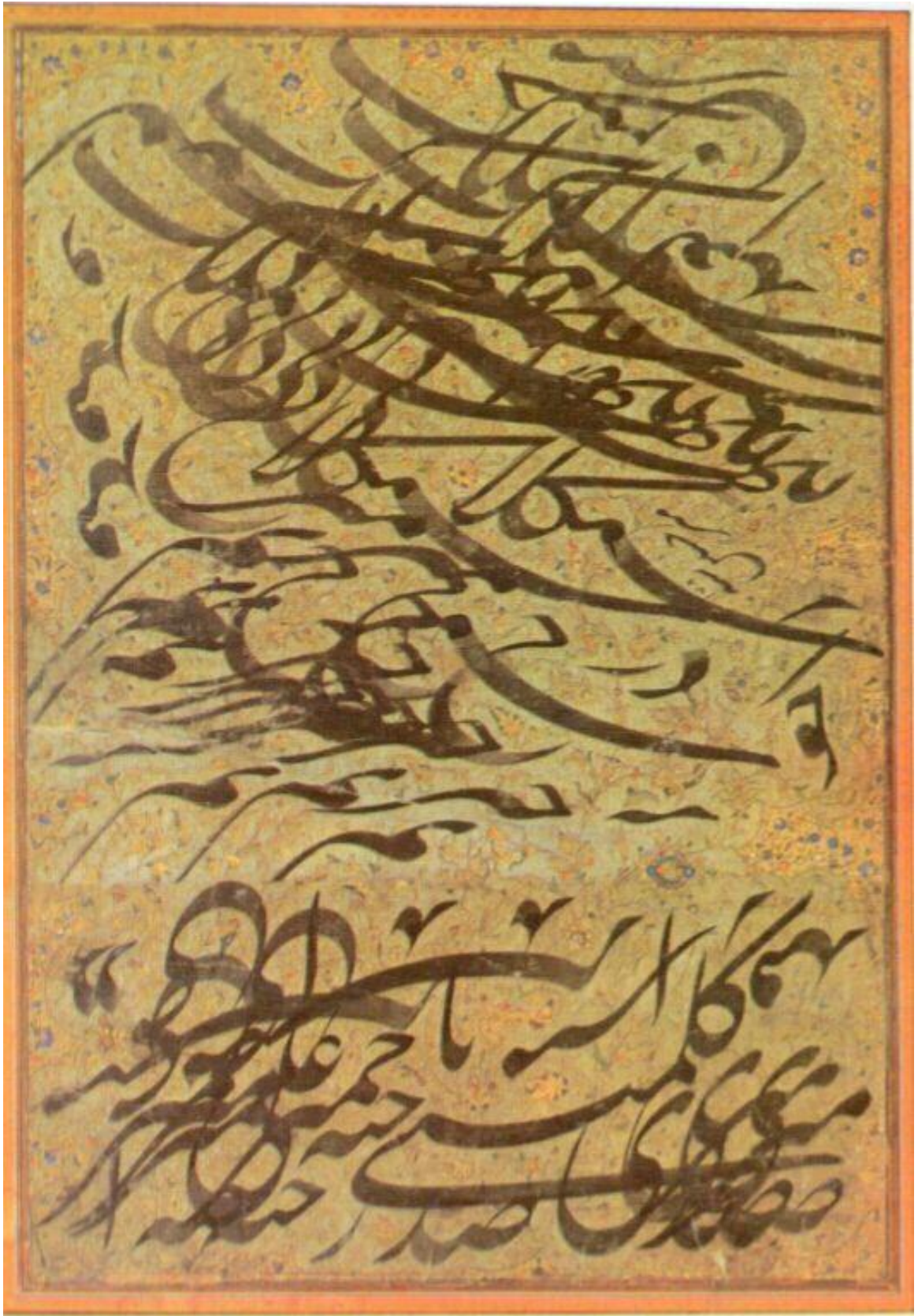
در سیاه مشق هایی از قدما بر میخوریم که با اولین دید، نظم و انضباطی در ترکیب بندی رعایت نشده و کلمات با شکلهای متفاوت چنان در ترکیب بندی بهم ریخته اند که هندسه تمام کلمات محو و گم شده است و جایگاه هر کلمه در صفحه نمایان نیست .



البته در این قسمت نیز میتوان به سیاه مشقهای فوق العاده میرحسین هم اشاره کرد که در یک نگاه نامنظم است اما در نهایت به یک فرم کلی و فضاسازی خارق العاده ای رسیده است.







## ۵- سیاه مشق های منظم

در این گونه سیاه مشق ها، خوشنویس همان روحیه آرام و منضبط خود را در اثر نمایان کرده و نظم در کل اثر حاکم بوده و هیچ کلمه ای بی ربط کلمه دیگری را قطع نکرده است، در این گونه آثار هنرمند از تکرار بی رویه نیز خودداری کرده است.





## ۶- سیاه مشق های مکرر و مورب

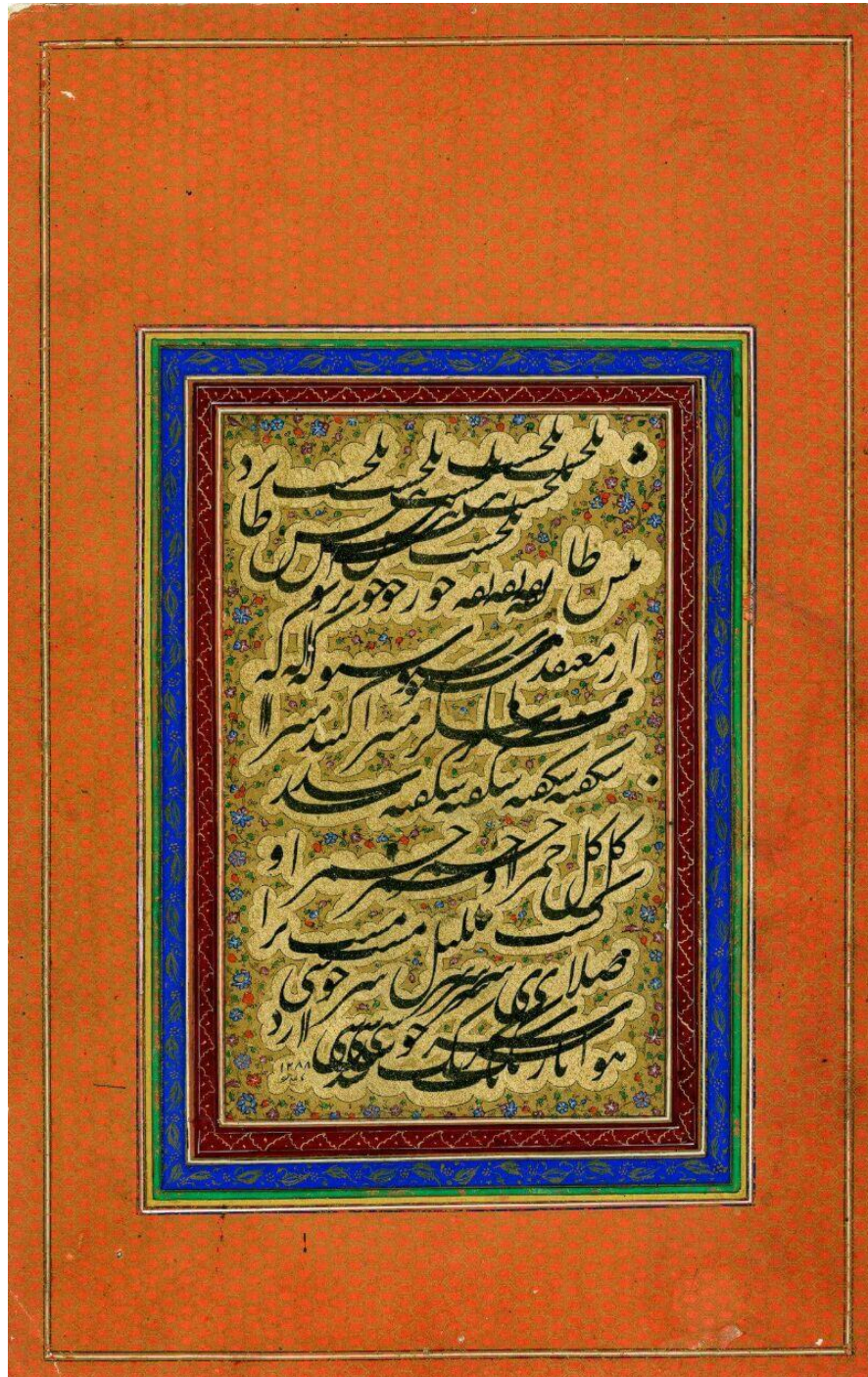
بیشترین آثار به یاد مانده از استادان بزرگ قرن های مختلف از این نوع بوده است که فلسفه خاص خود را داراست در جایی این فرم را برگرفته از فرم چلیپا دانسته اند و گفته اند که هر چلیپایی که در هنگام نوشتن خراب می شده است. سیاه مشقی در همان جهات سطرهای چلیپا می نوشتند. این به دلیل نهایت استفاده از صفحه بوده است. کم کم این روش در سیاه مشق نویسی مرسوم شد. البته به لحاظ بصری وقتی کادری داریم که شامل ۲ خط افقی و عمودی است و قرار است درون آن سیاه مشقی بنویسیم بهترین حالت مورب است که خطوط دیگر را ( افقی - عمودی ) قطع کند باعث جریان هنری بیشتری در صفحه شود . این گونه سیاه مشقها در عصرقاجار بکمال خود رسید که میتوان به سیاه مشقهای ناب میرزا غلامرضا اصفهانی اشاره کرد.



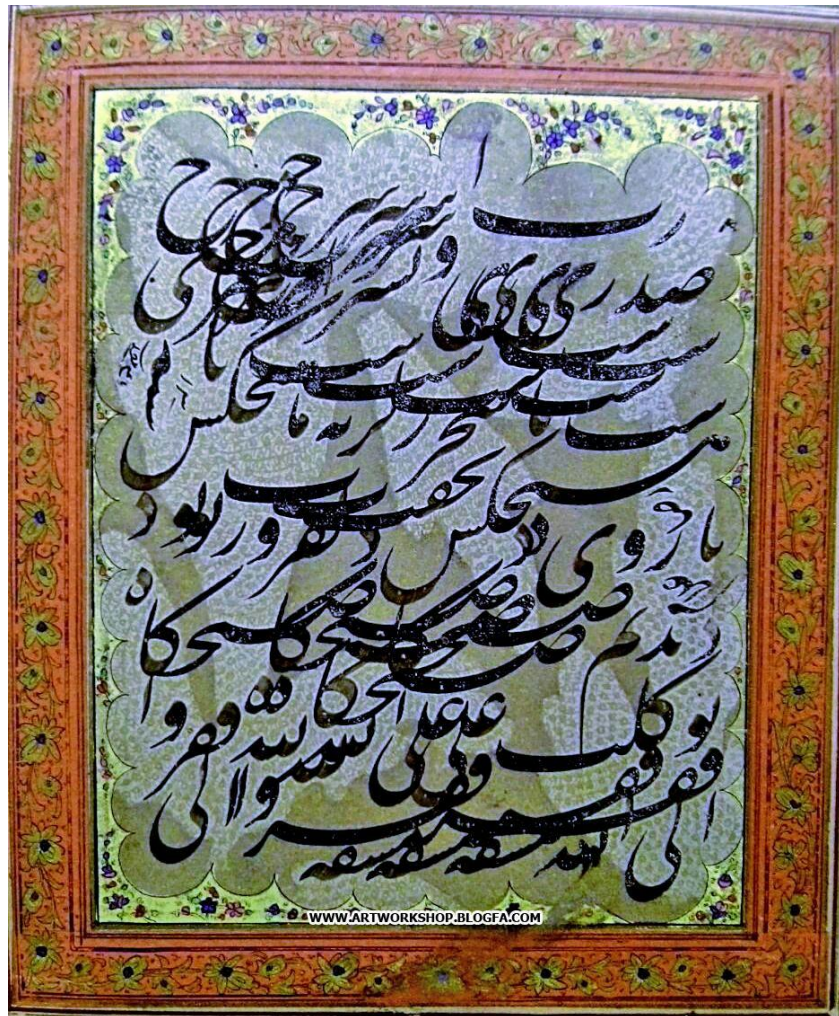
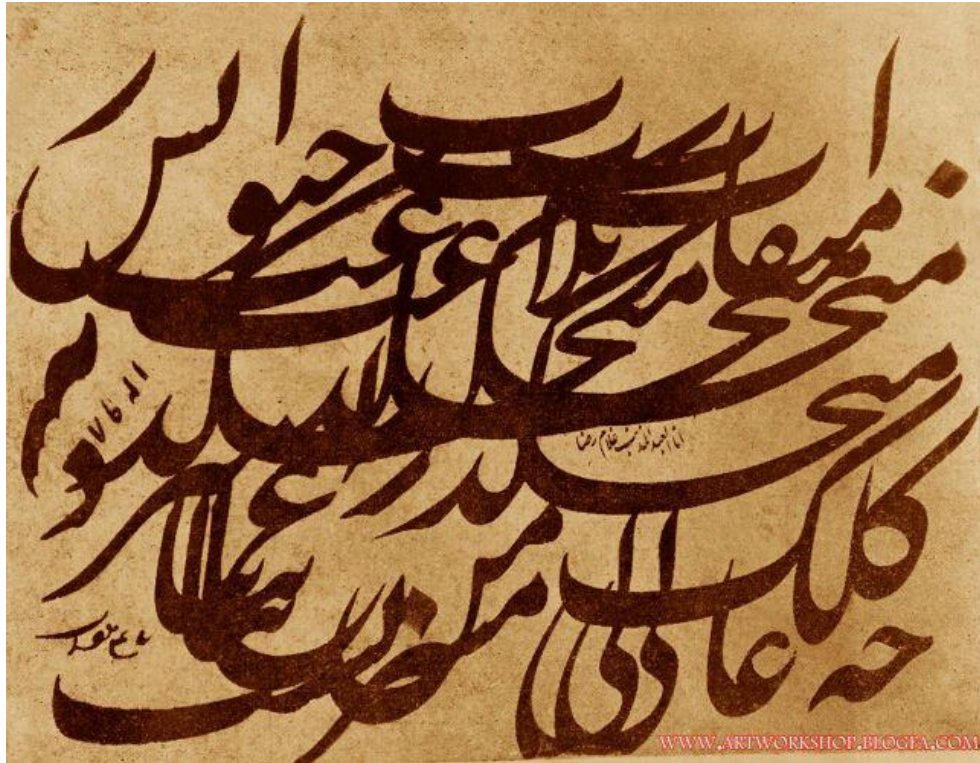


## ۷- سیاه مشق های افقی

این گونه سیاه مشقها که بیشتر در دوره قاجاریه مرسوم بوده و تا زمان عمادالکتاب نیز به آن توجه خاص می شده است. یک صفحه را در افق می گرفتند و حروف و کلمات را تکرار می کردند. البته در این تکرار فقط بعضی از حروف چند بار تکرار و بقیه در کنار آنها کرسی چینی می شدند. مانند اینکه خوشنویس سطری را می نویسد که چند کلمه ای در آن تکرار شده است. فاصله بین سطرها نیز همانند سطرنویسی رعایت می شده و در بعضی از آثار گاهی هم در قسمت های مختلف صفحه بصورت مورب و مکرر مینوشتند.



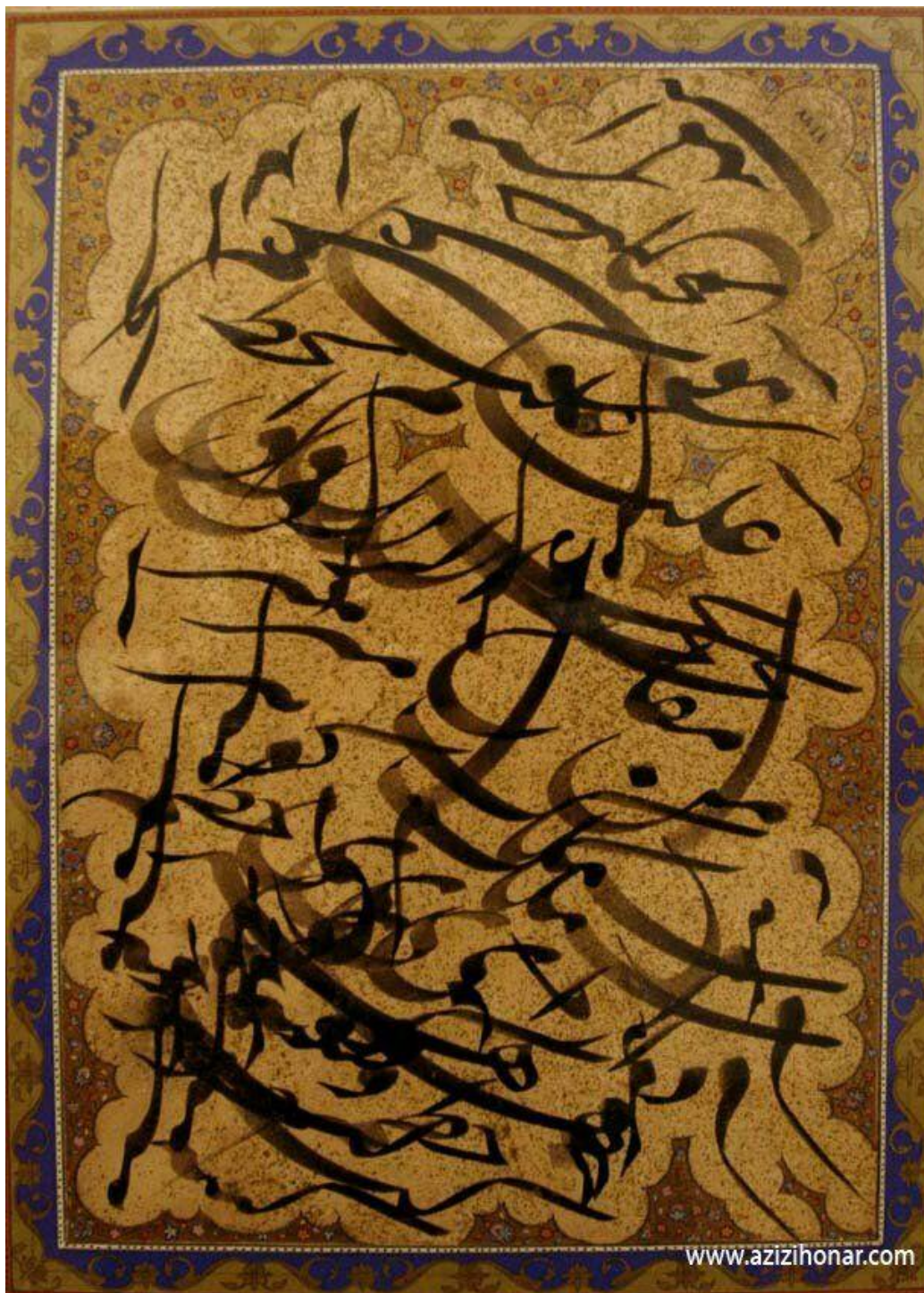






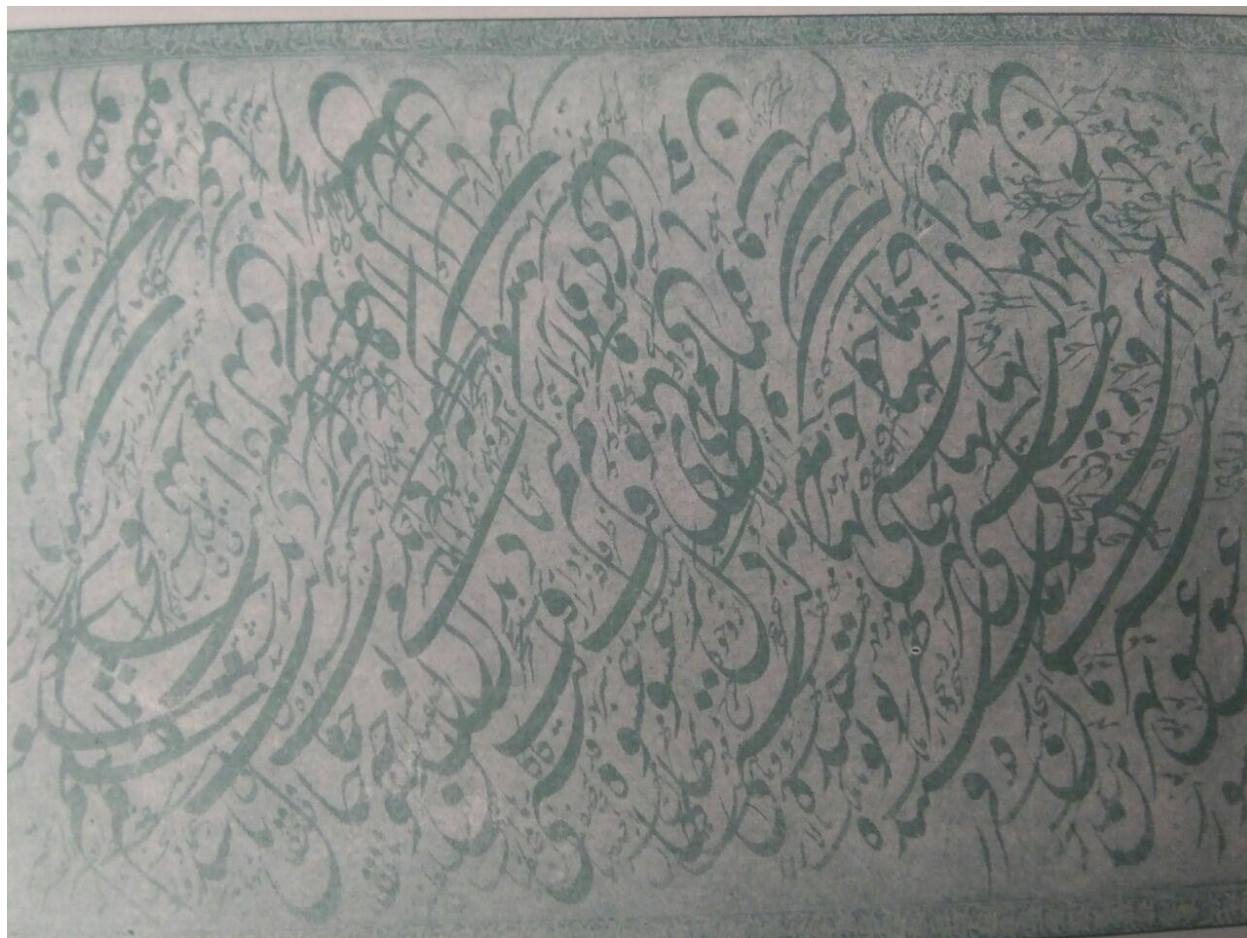
## ۸- سیاه مشق های چندوجهی

درمیان آثار بجای مانده به سیاه مشق هایی بر می خوریم که خوشنویس در جهات مختلف کاغذ شروع بنوشتن کرده است، که هرجهت یک ترکیب بندی مجزا پیدا کرده است که در پایان میتوان آن قسمت را یکقطعه سیاه مشق مجزا بحساب آورد و در صفحه دیگر قطعی کرد.  
برای مثال به یکی از شاهکارهای میرحسین ترک اشاره میکنم:



## ۹- سیاه مشق های چنددانگی

درسیاه مشق هایی نیز شاهد هستیم که یک صفحه با چند دانگ مختلف، ریز و درشت، ترکیب بندی شده است که این تنوع نیز در اثر باعث ایجاد زیبایی همراه با تنوع پذیری شده است که کل اثر نیز دارای عمق یا پرستکتیو شده است:





## ۱۰- سیاه مشق های بدون تکرار

دربین اثار استادان، شاهد آن هستیم که قطعه ای سیاه مشق بدون اینکه حروف و کلمات تکرار شوند همدیگر را قطع کرده و درکل یک اثر زیبا آفریده اند و بجهت اینکه در اینگونه سیاه مشق ها کلمات بیشتر خودنمایی میکنند، توانایی هنرمند را میطلبد که برای خلق اثری فاخر هنر خود را بنمایش بگذارد.



## ۱۱- سیاه مشق های قطعه گونه

در میان سیاه مشق های مختلف دیده میشود که به ترکیب بندی یک سیاه مشق آنقدر توجه شده که اگر حتی یک کلمه را از آن برداریم شاهد نقص در اثر میشود، در این موارد هنرمند حتی برای گذاشتن نقطه هم دقت نظر خاص داشته است.



۱۸۹ - قطعه اثر آقاغلامرضا - مجموعه مهندس مزدا



## ۱۲- سیاه مشق های اتفاقی و بداهه نویسی

سیاه مشقی که خوشنویس در نوشتن آن منظور خاصی در نظر ندارد و در پایان، با یکبارنوشتن، ترکیب کلی اثر اتفاقی شکل میگیرد، این ترکیب بندی در موارد دیگر کمتر اتفاق می افتد، ممکن است در همچون مواردی اثر بلحاظ زیبایی کم نظیر باشد و در مواردی هم از حیث زیبایی قابل ارزشگذاری نباشد، تعدادی از آثار قدما، میرحسین و میرزا غلامرضا بداهه بوده که چون این اساتید از نخبگان سیاه مشق بشمار میروند و چون به شناخت زیبایی از فرم و فضا سازی در سیاه مشق رسیدند، اکثر آثار بداهه ایشان هم فاخر قلمداد میشود :





موارد زیادی باعث میشود که یک اثر تمام عیار در قالب سیاه مشق شکل بپذیرد، آثار قدما را که در مقایسه یکدیگر می آوریم به این نتیجه میرسیم که همه هنرمندان، ذوقی یکسان و درکی برابر نداشته اند، آثار میرزا غلامرضا اصفهانی خبر از ضمیر او میدهد، وی را چنان معرفی میکند که صفحه خط، قلم و مرکب و همه را می شناخته است و روح بلند او و درونیاتش را در یک صفحه شکل سیاه مشق کم نظیر جلوه گر کرده است، طبعاً اینگونه آثار تعمدی صورت گرفته اند.

